

نقش حسابداری در تصمیم‌گیری مدیریت با تأکید بر کنترل هزینه‌ها

عارف باباپور^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین مباحث در رابطه با مشکلات مالی، نحوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل این اطلاعات است به طوری که بتوان بر اساس آن تصمیم مناسب گرفت. امروزه اشتباه در مسائل مالی ممکن است بسیاری از موقعیت‌های جامعه، گروه یا فرد را به خطر اندازد. بنابراین شخص تلاش می‌کند در مسائل مالی معمولاً محافظه کارانه تر عمل نموده، و از پذیرش ریسک بالا خودداری نماید. در واحدهای اقتصادی، به علت پیچیدگی مسائل مالی نقش جمع‌آوری اطلاعات و بهینه کردن آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا مدیریت را قادر به تصمیم‌گیری اصولی می‌نماید. به طور نمونه مدیریت خواهان کنترل هزینه‌ها است اما در راستای این کنترل نیاز اطلاعاتی او باید برآورده شود تا قادر به تصمیم‌گیری درست باشد. با توجه به مطالب فوق، ارزش و جایگاه حسابداری مشخص می‌شود. در این مقاله مشکلات مالی مدیریت و راهکارهای قابل ارائه از طرف حسابداران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: کنترل هزینه^۲، تصمیم‌گیری مدیریت^۳، سیستم حسابداری^۴، نظامهای هزینه‌یابی^۵

مقدمه

عصر حاضر انسان را به عنوان انتخاب‌کننده تعریف نموده است. یکی از مهمترین مسائلی که انسان بدان می‌اندیشد مسائل مالی است زیرا امروزه با زندگی آدمی عجین شده است. موضوع مالی سایر موضوعات، از جمله مسائل اجتماعی - فرهنگی - سیاسی و اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. چرا که امروزه توانایی در زمینه‌های مختلف یا استفاده از تفکر مالی بهبود و توسعه می‌یابد. انسان هر روزه با در نظر گرفتن موقعیت مالی اش، برنامه روزانه خود را طراحی می‌کند. اگر او موقعیت‌های خود را مناسب تشخیص ندهد، مسلماً بسیاری از مسائل را نادیده گرفته و یا آنها را دست خواهد داد. در واحدهای اقتصادی نیز مسائل مختلف برای مدیریت و نیروی انسانی وجود دارد که باید به درستی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. سیستم حسابداری می‌تواند مسائل مالی را تجزیه و تحلیل و در اختیار مدیریت قرار دهد.

جایگاه حقوقی شخصیت حسابداری

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه

^۲ - Cost Control

^۳ - Management Decision-making

^۴ - Accounting system

^۵ - Cost Systems

حسابداری را نمی توان تعریف نمود، زیرا حیطه مختلفی را پوشش می دهد. معمولاً از دیدگاههای مختلف حسابداری را تعریف می کنند. در کتب مختلف از جمله علی مدد (۱۳۶۰) به برخی از آنها اشاره شده است. این موارد عبارتند از: دیدگاه یک مدیر که در هر تصمیمی نیاز به اطلاعات مالی دارد و تجارت خود را منوط به آگاهی از اطلاعات مالی می داند حسابداری را زبان تجارت نیز تعریف می نمایند. از دیدگاه شخصی که اسناد و مدارک را جمع آوری کرده، سپس ثبت و ضبط و گزارش های مالی را تهیه می کند، حسابداری دانش جمع آوری اطلاعات مالی، تجزیه و تحلیل، طبقه بندی، تلخیص، ثبت و گزارش دهی طبق استانداردهای حسابداری است که با واحد پول تعریف می شود. اگر چه تعریف فوق یک تعریف دقتداری است اما از دیدگاه مشخصی که همه چیز را سیستمی می بیند حسابداری فرایند جمع آوری اطلاعات مالی خام، پردازش این اطلاعات و ارائه گزارشهای مالی است که از نظام خاصی پیروی می کند. البته در این تعریف بسته به نیاز استفاده کننده اطلاعات مالی، نوع اطلاعات خام، نوع پردازش و نوع گزارش متنوع خواهد بود. دیدگاه دیگری نیز در حسابداری وجود دارد امروزه با پیشرفت علم آماری، ریاضیات و تحقیق در عملیات، و وجود نرم افزارهای کامپیوتری، حسابداری را به عنوان ابزار مالی جهت برنامه ریزی مالی تلقی نموده اند.

به کارگیری علوم پایه جهت حل مسائل و مشکلات مدیریتی و مالی، یکی از موضوعات اصلی و اساسی رشته حسابداری است. در واقع در حسابداری امروزی حسابدار خوب و قابل تایید کسی است که برنامه ریزی مالی در حل مشکلات مدیریتی و مالی را بداند. از موضوعاتی که از دیرباز مدیریت را آزاد داده، وجود هزینه های نامربوط در یک واحد اقتصادی است. شناسایی و حذف اینگونه هزینه ها، از وظایف حسابداری مدیریت است. برای اینکه بتوانیم هزینه ها را کنترل نماییم نیازمندیم قبلاً هزینه های یک واحد اقتصادی را شناسایی کرده و سپس راههای کنترل آنها را ارائه نماییم. در ادامه راجع به انواع هزینه در یک واحد اقتصادی بحث می شود.

تقسیم بندی هزینه ها در یک واحد اقتصادی

هزینه های یک واحد اقتصادی به گروههای مختلف تقسیم بندی شده، و هر تقسیم بندی برای اهداف خاصی صورت می گیرد. شباهنگ (۱۳۶۶) تقسیم بندی زیر را انجام داده است:

۱- تقسیم بندی هزینه ها، از نظر دوره حسابداری^۱: هزینه های یک واحد اقتصادی را با توجه به تاثیری که یک دوره مالی می گذارد به دو گروه تقسیم می کنند:

الف) هزینه های جاری^۲: هزینه هایی است که در یک دوره مالی وقوع یافته، تاثیر خود را باقی گذاشته و ارتباطی بر فعالیتهای دوره آتی ندارند. مانند: آب، برق، تلفن، هزینه تعمیرات، اجاره، و غیره. حسابداری در برخورد با اینگونه هزینه ها، آنها را به عنوان هزینه های جاری شناسایی کرده و مورد ثبت قرار می دهد.

ب) هزینه های سرمایه ای^۳: هزینه هایی است که در یک دوره مالی اتفاق افتاده، تاثیر خود را در دوره های فعالیتهای آتی هم می گذارند به عنوان هزینه های سرمایه ای شناسایی می شوند. خرید داراییهای ثابت، هزینه های تحقیق و توسعه، هزینه های قبل از بهره برداری و هزینه آموزش کارکنان از این قبیل هزینه ها هستند. حسابداری در برخورد با اینگونه هزینه ها آنها را به عنوان هزینه سرمایه ای شناسایی و به صورت یک دارایی در ترازنامه آورده و به دوره ای بعد انتقال داده ولی تاثیر آنها را در یک دوره به صورت استهلاک شناسایی و ثبت می کنند.

1- Accounting Period

2- Current Costs

3- Capital Costs

۲- تقسیم بندی هزینه ها از نظر ارتباط آنها با تولید: در یک واحد تولیدی هزینه های زیادی اتفاق می افتد به طوری که برخی به طور مستقیم در تولید یک واحد کالا نقش دارند و برخی دیگر ارتباط مستقیم با تولید کالا نداشته ولی واحد تولیدی ملزم به انجام آنها است. بنابراین نوروش (۱۳۸۳) تقسیم بندی هزینه ها را به دو گروه زیر مجاز می داند:

الف) هزینه های ساخت^۴: هزینه های ساخت هزینه هایی هستند که در تولید یک واحد کالا نقش اساسی و مستقیم داشته باشند. بهای تمام شده تولید یک واحد کالا متاثر از اینگونه هزینه ها است. مواد مستقیم، دستمزد غیر مستقیم و سربار کارخانه، از جمله هزینه های ساخت می باشند.

ب) هزینه های غیر ساخت^۵: هزینه های غیر ساخت، هزینه هایی هستند که به طور مستقیم در تولید کالا نقش ندارد، اما تحمل آن امری ضروری است. هزینه های اداری و عمومی و هزینه های توزیع و فروش از این دسته از هزینه ها می باشند.

۳- تقسیم بندی هزینه ها از نظر ارتباط آنها با تغییرات سطح تولید: در این تقسیم بندی ارتباط با سطح تولید مورد بررسی قرار می گیرد، بنابراین هزینه ها در این حالت به دو گروه متغیر و ثابت قابل تقسیم می باشند: هزینه های متغیر هزینه هایی هستند که با تغییر در سطح تولید تغییر می یابند، مثل مواد مستقیم، دستمزد و سربار متغیر ساخت کارخانه، که هر چه محصول بیشتری تولید شود، به نسبت آن هزینه متغیر بیشتری مصرف می شود. اما هزینه ثابت هزینه هایی هستند که با تغییر در سطح تولید ثابت باقی مانده و تغییری نمی کنند. مثل آبونمان، تلفن، برق، آب و اجاره کارخانه و غیره.

۴- تقسیم بندی هزینه ها از نظر کنترل آن توسط مدیریت: در واحد های اقتصادی هزینه های موجود از نظر کنترل مدیریت به دو گروه تقسیم می شوند.

الف) هزینه های قابل کنترل^۱: هزینه هایی که مدیریت می تواند در ایجاد یا عدم ایجاد آن دخالت نماید و وقوع اینگونه هزینه ها می تواند کنترل شده باشد. مانند هزینه مواد مستقیم، دستمزد کارکنان و سایر هزینه های مشابه.

ب) هزینه های غیر قابل کنترل^۲: برخی هزینه ها در واحد اقتصادی از کنترل مدیریت خارج بوده و وقوع آنها الزامی است. مانند هزینه اشتراک یا آبونمان آب و برق، تلفن حفظ و نگهداری از محیط اقتصادی و سایر هزینه های مشابه.

اهمیت تقسیم بندی هزینه ها

با توجه به تقسیم بندی هزینه ها به چهار گروه فوق می توان هزینه های یک واحد اقتصادی را در گروه های خاص دسته بندی و شناسایی کرد، بنابراین آسانتر می توان نسبت به آنها تصمیم گیری نمود. در میان دسته بندی فوق روش چهارم یعنی تقسیم بندی از لحاظ کنترل اهمیت ویژه ای دارد زیرا در این روش هزینه های غیر قابل کنترل از بحث حذف هزینه های زائد کنار گذاشته شده و سایر هزینه ها مورد مطالعه قرار می گیرند. البته سایر روش های تقسیم بندی و دسته بندی هزینه ها نیز مفید است زیرا اگر بخواهیم روی هزینه های ساخت و غیر ساخت تغییری بدهیم و بهای تمام شده کالا را کاهش دهیم، این تقسیم بندی بسیار مفید خواهد بود.

4- Manufacturing Costs

5- Unmanufacturin Costs

1- Controkable Costs

2-² Uncontrolable Costs

بنابراین دسته بندی نمودن هزینه ها به چهار روش فوق بسیار مهم بوده و اولین گام جهت کنترل و حذف هزینه های زاید به شمار می رود. شباهنگ (۱۳۶۶) برای تشخیص هزینه ها برای منظور نمودن یک قلم یا مخارجی خاص، به سه روش تقسیم بندی زیر اشاره کرده است:

۱- روش علت و معلولی: در این روش برای اینکه یک قلم مالی به عنوان هزینه منظور شود، باید علت یابی نمود. مثلاً زمانی بهای تمام شده کالا به هزینه منظور می شود که کالا فروخته شود. در صورت عدم فروش، مخارج آن سرمایه بوده و هزینه دوره به حساب نمی آید. دلیل منظور نمودن سایر هزینه ها مثل آب، برق، تلفن و غیره نیز مرتبط بودن به دوره جاری و درآمد عاید شده است.

۲- روش سیستماتیک: همه هزینه ها را با روش علت و معلولی نمی توان شناسایی کرد. بنابراین باید روش دیگری را انتخاب نمود. هزینه استهلاک داراییهای ثابت که همه ساله از مخارج سرمایه ای به عنوان هزینه روز منظور می شود، از این دسته از هزینه ها بوده که نمی توان علت خاصی برای آن جستجو نمود، لذا اینگونه هزینه ها که بین دوره مصرف مخارج سرمایه سرشکن می شوند به روش سیستماتیک توجیه شده و به حساب هزینه منظور می شوند.

۳- روش تسریعی: برخی از هزینه ها را نمی توان به دو روش فوق توجیه کرد بلکه باید تاثیر آنها را به دوره های مورد مطالعه مربوط نمود. اگر تاثیر آن فقط در یک دور مالی باشد هزینه دوره به حساب می آید و باید فوراً به حساب هزینه منظور شود اما اگر دارای تاثیر بیش از یکسال باشد نمی توان آن را به حساب هزینه دوره منظور نمود. هزینه تحقیق و توسعه، هزینه آموزش کارکنان و هزینه قبل از بهره برداری از این دسته از هزینه هاست که در صورت تاثیر بیش از یک سال به عنوان هزینه های انتقالی در دوره های بعد منظور می شوند. بدیهی است این طبقه بندی جهت شناسایی هزینه ها و برای دستیابی مدیریت به هدف مطلوب است.

هدف مطلوب شرکت

معمولاً برای رسیدن به هدف مطلوب، در شرکتها دو دیدگاه مطرح می شود که آقای هامپتون در کتاب مدیریت مالی خود این دو دیدگاه را به شرح زیر مطرح می کند:

۱- به حداکثر رساندن سود،

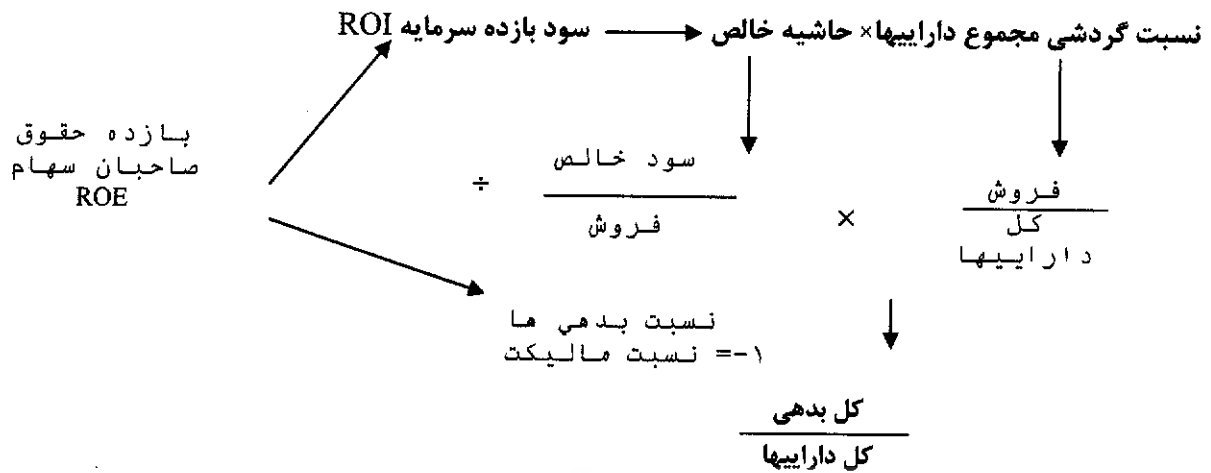
۲- به حداکثر رساندن ثروت سهامداران.

اگر هدف شرکت به حداکثر رساندن سود باشد نقاط ضعف آن به شرح زیر است:

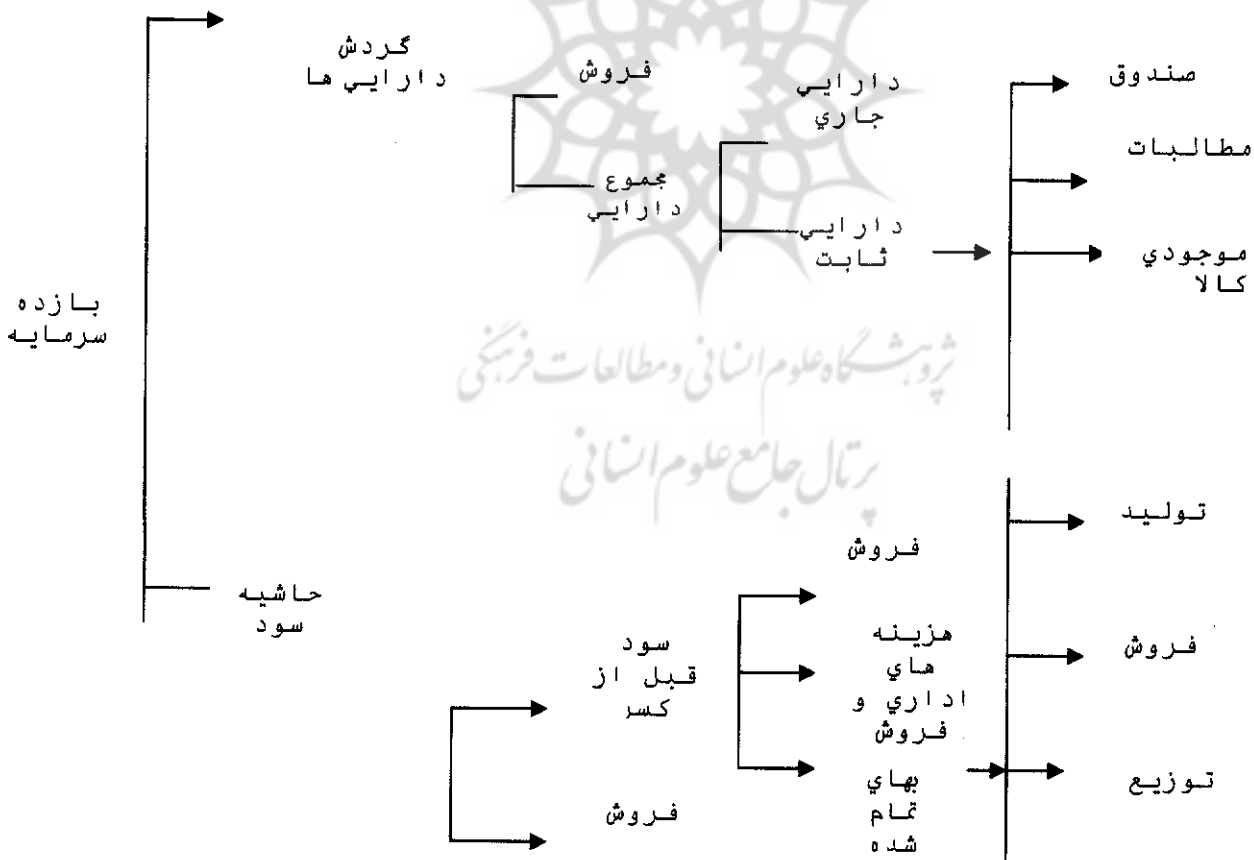
۱- به ماکزیمم رساندن سود نامفهوم است زیرا در کوتاه مدت ممکن است سود، کاملاً متفاوت با سود بدست آمده در بلند مدت باشد. ممکن است برای سودآوری از دستگاهها و ماشین آلات در سالهای اولیه حداکثر استفاده شود بدون آنکه مراقبت صورت بگیرد. بنابراین در بلند مدت هزینه های تعمیر و نگهداری افزایش یافته و زبان دهی خواهیم داشت.

۲- عامل زمان و ارزش زمانی پول نادیده گرفته می شود؛ وجوه کسب شده امروزی دارای ارزش بالاتری از وجود قابل دریافت در آینده می باشد. یک سازمان با هدف به حداکثر رساندن سود باید زمان رسیدن به سود را زمانبندی نماید. به دلیل وجود تورم، ارزش زمانی پول در حال حاضر، بالاتر از ارزش پول در آینده می باشد. سود به علت وجود تورم و نادیده گرفتن ارزش زمانی پول گمراه کننده خواهد بود.

شکل ۱: نحوه محاسبه بازده حقوق صاحبان سهام..



با صورت کسر یعنی بازده داراییها (سرمایه) خود بشرح زیر محاسبه می شود:



۳- به جنبه‌های کیفی فعالیت آتی توجهی نمی‌شود. تمام شرکت‌ها صرفاً با هدف حداکثر سازی سود فعالیت نمی‌کنند بلکه بعضی از آنها در جهت افزایش تولید فعالیت دارند. حتی اگر در اثر میزان فروش بیشتر سود کمتری داشته باشند، هدف آنها کسب ثبات و موقعیت تجاری در بازار و تقویت بنیه شرکت در جنبه‌های مختلف است. بنابراین با توجه به ضعفهای فوق بهتر است هدف شرکت به حداکثر رساندن ثروت سهامداران باشد و این امر به دو عامل زیر بستگی دارد:

۱- دریافت سود سهام

۲- افزایش قیمت سهام عام

از این رو مدیران باید تلاش کنند به این هدف نائل گردند. در واقع مدیریت باید تلاش کند بازده حقوق صاحبان سهام را به حداکثر برسانند. طبق سیستم دوپانت^۱ بازده حقوق صاحبان سهام به شرحی که در شکل ۱ آمده محاسبه می‌گردد:

بنابراین مدیریت با کمک حسابداران باید گام به گام با مطالعه دقیق مجموعه وقایع مالی در یک واحد اقتصادی به گونه‌ای عمل کنند که بتوانند از منابع موجود حداکثر استفاده از تحصیل نماید تا بتواند حقوق صاحبان سهام را به حداکثر ممکن برساند.

نحوه کمک حسابداران به کاهش هزینه‌ها

بعد از شناسایی کامل هزینه توسط حسابداران، آنها می‌توانند راهکارهای درست و مناسبی جهت کنترل و جذب هزینه‌های زائد در اختیار مدیران قرار دهند. شباهنگ (۱۳۶۶) به برخی از این راهکارها اشاره نموده که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

۱- کنترل هزینه حمل کالا با مواد اولیه: حسابداران می‌توانند با مطالعه مکانهای تهیه مواد اولیه با استفاده از مدل حمل و نقل به مدیران راهکارهایی ارائه دهند که آنها مواد اولیه خود را از جایی تهیه نمایند که هزینه حمل کالا نسبت به جاهای دیگر ارزانتر باشد.

۲- سفارش هنگام کالا (EOQ)^۱: حسابداران با توجه به نیاز واحد اقتصادی به انواع کالا مواد و اقلام، با مطالعه میزان مصرف سالیانه آنها، جهت کاهش هزینه نگهداری، یا هزینه انبارداری لازم، سفارش خرید خود را تهیه می‌نمایند. البته آنها باید توجه داشته باشند که به گونه‌ای باید عمل کنند که هر زمان واحد اقتصادی به مواد نیاز داشته باشد باید در اختیار قرار گیرد. مدل EOQ با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده توسط حسابدار، مدیر را در جریان تحولات انجام شده قرار خواهد داد.

ضایعات به ضایعات عادی معروف می باشند. ضایعات دیگری وجود دارد که با مطالعه درست حسابداران و مدیران می تواند کاهش یابد. اینگونه ضایعات به ضایعات غیر عادی معروفند. مطالعه درست بر روی این ضایعات و کاهش آنها باعث حذف هزینه زاید خواهد شد که مسلماً به نفع واحد اقتصادی و مدیریت می باشد. نمونه هایی از ضایعات غیر عادی به شرح زیر است:

۳- الف) تعداد نیروی انسانی: استفاده از نیروی انسانی باید به گونه ای باشد که هر نیرو به اندازه کافی در مدت زمانی که در واحد اقتصادی حضور دارد، فعالیت نماید. وجود نیروی اضافی در واحدهای اقتصادی که فعالیت مناسبی را انجام نمی دهد، باعث افزایش حقوق و دستمزد و ایجاد انتظارات شغلی نا مطلوب است.

ب) ساعات کارکرد نیروی انسانی: نیروی انسانی خوب به نیرویی گفته می شود که حداکثر فایده را در مدت زمان فعالیت داشته باشد، اگر نتوان درست برنامه ریزی کرد، نیروی انسانی در مدت زمانی که در واحد اقتصادی اشتغال دارد، درست فعالیت نکرده و مسلماً باعث ۱- پرداخت هزینه بدون انجام کار و ۲- کاهش در محصول تولید شده خواهد شد، لذا مدیریت باید کنترل های لازم را بر نیروی انسانی داشته باشد.

ج) به کارگیری ابزار آلات و ماشین آلات: مسلماً بکارگیری ماشین آلات فرسوده و با عدم توجه درست به ماشین آلات به گونه ای که به موقع سرویس و تعمیر شوند می تواند هزینه بالایی را بر واحد اقتصادی تحمیل کند، در این حال اولاً میزان تولید کاهش یافته و ثانیاً باعث ضایع شدن نتیجه کار نیروی انسانی و هزینه هایی خواهد شد که به آنها پرداخت شده است، بنابراین حسابداران می توانند در این جهت راهکارهای زیر را انجام دهند:

- ۱- محاسبه هزینه ماشین آلات جهت از رده خارج کردن یا استفاده مجدد.
 - ۲- بررسی توسعه و جایگزینی ماشین آلات با ماشین آلات دیگر و ارائه پیشنهادات در این زمینه، و
 - ۳- مطالعه گلوگاههای تولید و بکارگیری ابزار آلات و امکانات برای حذف این گلوگاهها.
- بنابراین مدیریت با کمک اطلاعات حسابداری باید از ابزار و ماشین آلات بدرستی استفاده نماید که علاوه بر تولید مناسب، هزینه های جانبی از جمله تعمیرات، هزینه عدم فعالیت به علت خرابی دستگاه نیز به حداقل ممکن برسد.

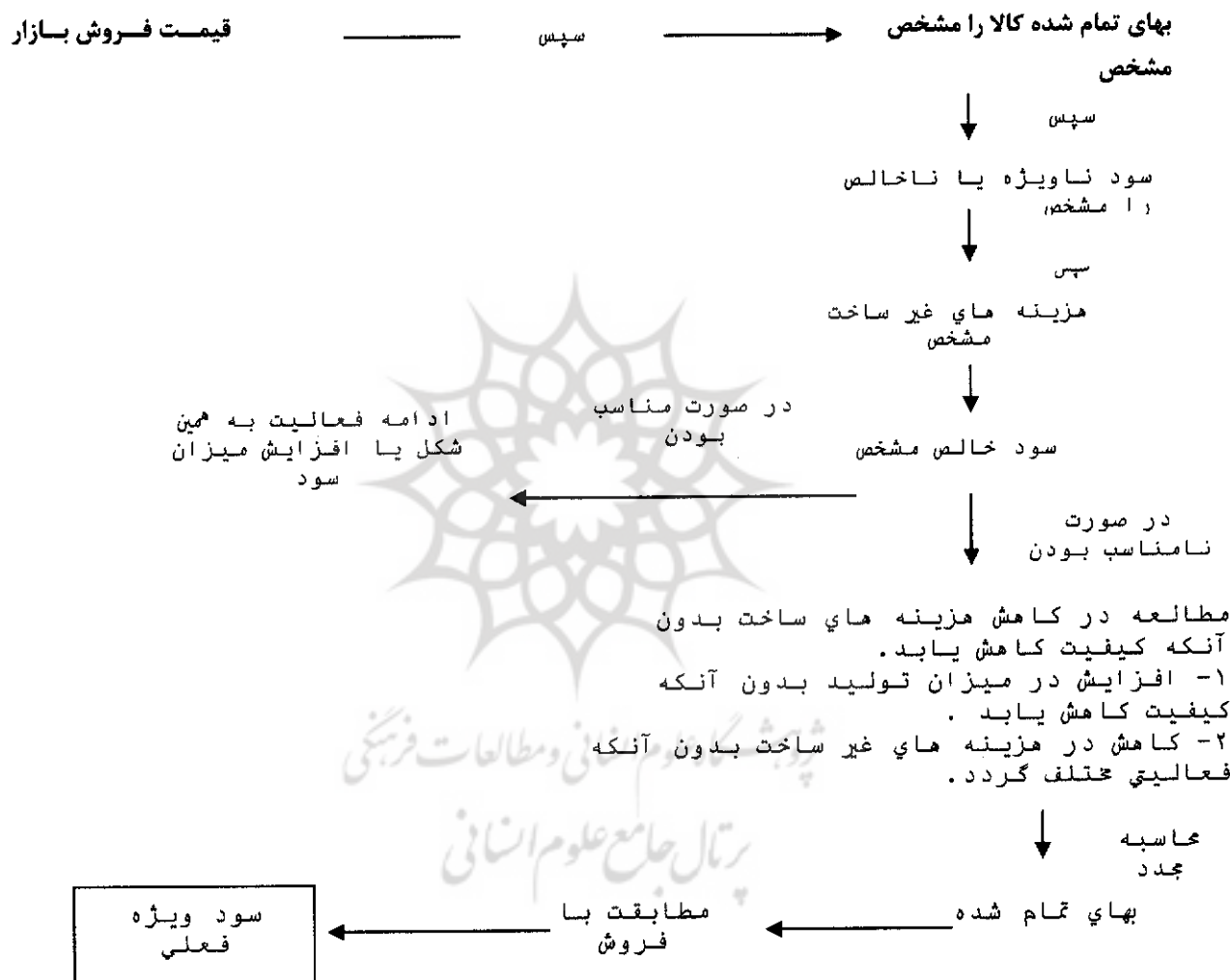
د) ضایعات مواد اولیه: مواد اولیه باید به گونه ای سفارش و نگهداری شود، که ضایع نگردد. ضایع شدن مواد باعث هدر رفتن هزینه است. بنابراین در خرید مواد اولیه و انتقال و مصرف و نیز نگهداری آنها باید کنترلهای لازم صورت پذیرد. حسابداران ضمن محاسبه اینگونه ضایعات، تاثیر آنها بر مدیران اعلام می نمایند تا چاره اندیشی شود.

ه) هزینه های غیر استاندارد بودن محصول: مسلماً اگر مواد اولیه نامرغوب باشد و یا نیرویی انسانی درست فعالیت نکند و یا ماشین آلات مناسب نباشند، محصول نهایی نامرغوب و غیر استاندارد خواهد بود. نگاه اول هر مشتری به بسته بندی کالا است که مسلماً باید مورد توجه قرار گیرد. اما نگاه دوم وی به کیفیت کالا می باشد. بنابراین با حذف ضایعات یا کاهش آنها محصول نهایی نیز مطلوب تر ارائه خواهد شد.

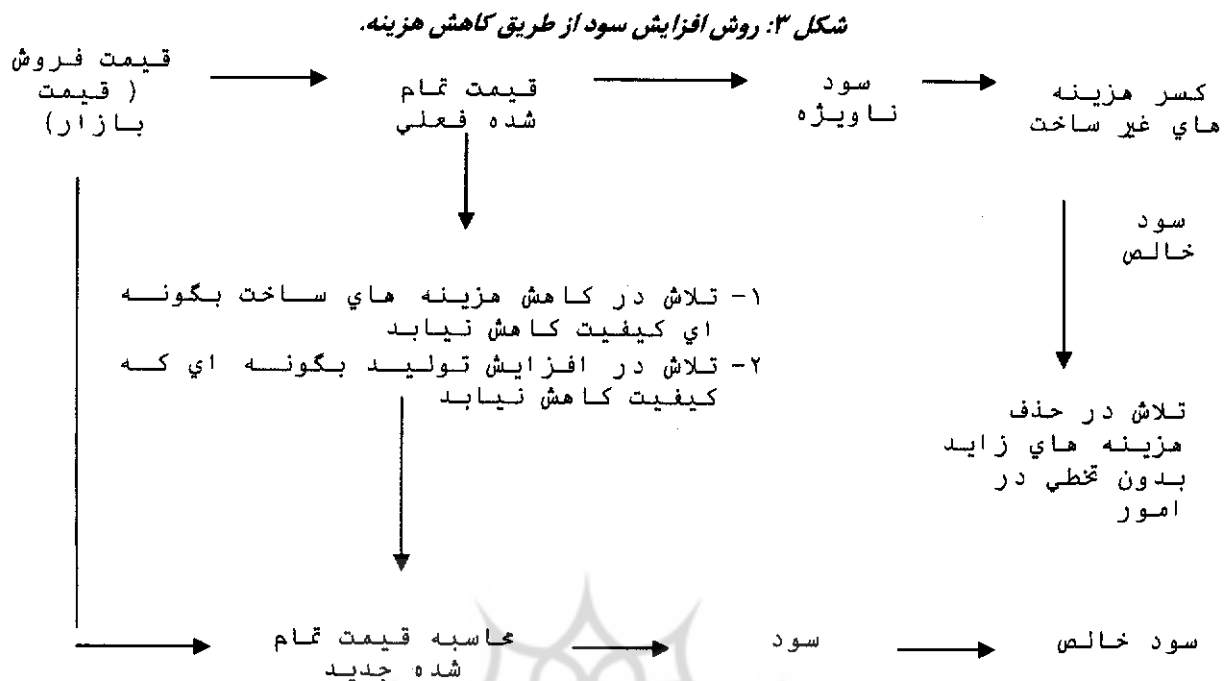
۴- بررسی نحوه قیمت گذاری کالا: در بسیاری از واحدهای اقتصادی بر روی محصول نهایی قیمت گذاری نشده و در صورت قیمت گذاری از قیمت بازار کالا استفاده می شود. در صورتی که حسابداران باید با بررسی هزینه های ساخت و تفکیک آنها، بهای یک واحد کالا را محاسبه نمایند و سپس با در نظر گرفتن هزینه های غیر ساخت، بهای فروش آنها مشخص نمایند. اما سوال بسیاری از مدیران این است که اگر بهای کالای ما بالاتر است، چگونه می توان با قیمت بازار رقابت کرد. اینجا است که حسابداران باید بعد از محاسبه بهای تمام شده کالا سعی نمایند

راهکارهایی ارائه دهند که هزینه بهای یک واحد محصول کاهش یابد بنابراین حسابداران باید طبق شکل ۲ عمل نمایند.

شکل ۲: نحوه عمل حسابداران برای ارائه راهکار به منظور کاهش هزینه های ساخت.



همان طور که در شکل ترسیم گردیده است، در اینگونه واحدها اگر بهای تمام شده نامناسب باشد به گونه ای که هزینه های غیر ساخت را نپوشاند باید تلاش کرد بهای تمام شده را کاهش دهد. اما مسلماً در برخی از واحدها نه می توان کالا را افزایش داد و نه می توان هزینه های ساخت و غیر ساخت را کاهش داد. در واقع واحد اقتصادی از حداکثر ظرفیت خود استفاده می کند اما مشکل اساسی مکان و یا جغرافیایی واحد اقتصادی است که موجب افزایش هزینه ها شده است. در این صورت تعطیل بنگاه نسبت به ادامه فعالیت مرجح خواهد بود. حتی در صورتیکه واحد اقتصادی در شرایط مناسب باشد حسابداران باید دنبال آن باشند که هزینه ها را چگونه ای کاهش دهند تا بدون تاثیر در کیفیت تولید سود بیشتری را عاید واحد اقتصادی نماید. در این حالت طبق شکل ۳ مراحل فعالیت را تا تحویل سود مورد توجه قرار می دهیم.



اگر حسابداران به درستی هزینه ها را مورد شناسایی قرار دهند، کاهش بهای تمام شده کالا و افزایش سود ناویژه و در نتیجه سود خالص، دور از انتظار نخواهد بود.

۵- بررسی روشهای تامین مالی: یکی از مسائل آزار دهنده در واحدهای اقتصادی منابع نقدی است. نبود نقدینگی سبب می شود واحد اقتصادی نتواند به فعالیت خود ادامه دهند. اما بدون تفکر و بررسی استقرایی، وجه نقد معنی ندارد و هزینه بر است. ذیل روشهای تامین مالی را مورد گسترده و شرح قرار می دهیم (وکیلی فرد، ۱۳۷۴).

تامین مالی^۱ به سه گروه تقسیم می شوند: گاه علوم انسانی و مطالعات فریبگی
الف) تامین مالی کوتاه مدت، ب) تامین مالی میان مدت، و ج) تامین مالی بلند مدت.

منابع مالی عبارتند از:

۱- انتشار سهام

۲- انتشار اوراق فرضیه

۳- استقراض از بانکها و سایر اعتبار دهندگان

۴- استفاده از خرید های نسبی بلند مدت و پرداخت هزینه ها در بلند مدت

بررسی هر یک از این حالات با توجه به موقعیت واحد اقتصادی و میزان بهره ای که از نظر صرف هزینه قابل توجه است به عهده حسابداران است و باید تلاش کنند تا بهترین راه حل را انتخاب نموده و هزینه ها را کاهش دهند.

۶- بررسی روشهای سرمایه گذاری: مدیریت موظف است که وجه نقد خود را بکار اندازد تا بیشترین استفاده را از آن تحصیل نماید. عدم چنین تفکری خود باعث ایجاد هزینه عدم استفاده مناسب وجه نقد خواهد بود بنابراین حسابداران باید چنین امری را متذکر شوند و از میان روشهای مختلف سرمایه گذاری، روشی را برگزینند که دارای ریسک سرمایه گذاری کمتر و بازده بیشتر باشد. البته آنها باید نیاز واحد اقتصادی را به وجه نقد در کوتاه

مدت و بلند مدت مورد بررسی ، قرار داده سپس با توجه به این تقسیم بندی ، وجه نقد مازاد را در منابع مختلف سرمایه گذاری نمایند.

سایر خدمات حسابداری به مدیریت در کاهش هزینه ها یا اضافه کردن سود علاوه بر خدمات فوق حسابداران می توانند در مسائل ذیل نیز به مدیران خدماتی را ارائه دهند(۱):

۱- پذیرش سفارش جدید : برای اینکه مدیریت بتواند سفارش جدید بپذیرد ، (به شرط وجود ظرفیت ، حسابداران ضمن بررسی هزینه های ساخت و غیر ساخت ، باید هزینه های ثابت و غیر ثابت را تفکیک و هزینه های مرتبط و غیر مرتبط را جداسازی نمایند سپس با تهیه گزارش پذیرش یا عدم پذیرش سفارش جدید را به مدیریت اعلام نمایند ممکن است مدیریت با سفارشی مواجه باشد که قیمت فروش آن کمتر از قیمت فروش کالای شرکت باشد . حسابداران با بررسی های لازم می توانند اعلام نمایند که سفارش تا چه حد قابل پذیرش است .

۲- ساخت محصول یا خرید آن : ممکن است مدیریت در حالتی قرار بگیرد که جهت پاسخگویی به مشتریان نیازمند استفاده حداکثر از ظرفیت باشد . حسابداران می توانند با بررسی هزینه های اضافی به مدیریت اعلام دارند که محصول را بسازد یا به دیگران سفارش ساخت بدهد .

۳- تکمیل ضایعات : ممکن است محصول غیر استاندارد تولید شود و شرکت قادر به تکمیل آن باشد . حسابداران با بررسی هزینه ها می توانند اعلام دارند که تکمیل ضایعات تا چه حد به صرفه می باشد .

۴- اولویت بندی در سرمایه گذاری : ممکن است مدیریت چند راه حل را برای سرمایه گذاری در نظر بگیرد . حسابداران ضمن بررسی هزینه بری هر یک از راه حلها با در نظر گرفتن ارزش زمانی پول راه حل مناسب را انتخاب نموده و در اختیار مدیریت قرار می دهند .

هر آنچه که در بخش آخر ذکر گردید نمونه هایی از فعالیت حسابداران در محیطی اقتصادی است . اینکه حسابداران چگونه می توانند به مدیریت خدمات ارائه دهند و هزینه های یک واحد اقتصادی را کاهش دهند ، بستگی به تسلط آنها در تفسیر مفاد حسابها خواهد بود.

نتیجه گیری و پیشنهادات :

امروزه حسابداری از بدهکار و بستانکار کردن گذشته ، به مسائل پیچیده تری راه یافته و با این ترتیب حسابدار را به خود مشغول نموده است . وجود مشکلات فراوان در هر واحد اقتصادی آزار دهنده است و مدیران را وادار می نماید که عکس العمل نشان دهند . برای اینکه مدیران بتوانند عکس العملی مناسب ارائه دهند لازم است از افرادی که نسبت به مسائل مالی اطلاعات کافی دارند استفاده نمایند . مدیران مناسب مدیرانی هستند که در مسائل مختلف از مشاوران مختلف از جمله مشاوران مالی استفاده می نمایند . یکی از مسائل در واحدهای اقتصادی وجود هزینه های نامربوط است . شناسایی اینگونه هزینه ها و حذف و کاهش آنها کاری بسیار دشوار است و نیاز به مطالعه دقیق و عمیق دارد .

در این مقاله ملاحظه نمودیم که حسابداران چگونه هزینه ها را به گروه های مختلف تقسیم و شناسایی می نمایند و در مسائل مختلف چگونه از این دسته بندیها استفاده می کنند . امروزه مدیران نمی توانند ادعا کنند که بر همه چیز واقفند یا آنکه تجربه مدیریتی دارند ، آنها باید تلاش کنند که کالایی با کیفیت یا خدمات مناسب ارائه دهند و نه تنها با فروش این کالا یا خدمات سود ببرند بلکه با کاهش هزینه های غیر مرتبط و قابل کنترل ، سود خود را به حداکثر برسانند.

منابع

- ۱) باباپور، عارف اصول حسابداری ۳، (۱۳۸۳)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، چاپ اول.
- ۲) شباهنگ، رضا، حسابداری مالی (۱۳۶۶)، جلد اول، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، چاپ اول.
- ۳) عالی ور، عزیز، حسابداری صنعتی، (۱۳۶۱) جلد اول، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، چاپ اول.
- ۴) علی مدد، مصطفی، اصول حسابداری، (۱۳۶۰)، جلد اول، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، چاپ اول.
- ۵) وکیلی فرد، حمید رضا و مسعود وکیلی فرد، مدیریت مالی هامپتون، (۱۳۷۴) انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۶) نوروش، ایرج، حسابداری بهای تمام شده، (۱۳۸۳) انتشارات کتاب نو، چاپ اول.





شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني